

# استعمارِ پُست مُدرن و مسئولیت تاریخی اپوزیسیون ایران در ایجاد آلترناتیو

فرهنگ قاسمی



در شرائط کنونی جهان، داشتن استقلال یکی از مهمترین مسائل در حاکمیت های ملل بشمار میاید. واقعیت های عینی نشان میدهند که دستیابی کامل بدان بسادگی میسر نیست. یافتن تعادلی بین استقلال و حاکمیت ملی کمک بزرگی به دمکراسی می کند. در جوامع این سه، دمکراسی، استقلال و حاکمیت ملی لازم و ملزوم اند. در جهان امروز، گروه هائی از کشورهای قدرقدرت، برای در چنگ گرفتن و کنترل ثروت های ملل، با استفاده از هر وسیله مشروع و نا مشروع، بلوک های اقتصادی قوی و پیچیده ای را تشکیل داده اند که امر حفظ استقلال را بیش از پیش دشوار می کند. از آنجا که یکی از تفاوت هائی عمده جوامع دمکراتیک با جوامع استبدادی در درجه استقلال آنهاست، ما در این مقاله ابتدا مساله استقلال و اراده ملی یک ملت را مورد مذاقه قرار داده، سپس تزی را تحت عنوان استعمارِ پُست مُدرن مطرح ساخته و در بخش آخر به مسئولیت تاریخی اپوزیسیون ایران و علت های عدم همسازی آن و وظایف اپوزیسیون دمکرات و لائیک و سکولار می پردازیم .

## استقلال در عصر جهانی شدن

از نقطه نظر حقوقی استقلال در دو حوزه قابل بررسی است :

**استقلال در حوزه حقوق بین المللی یا استقلال عدمی** <sup>(۱)</sup> به این مفهوم قابل تفسیر است که مردمی در سرزمینی با مرز های مشخص زندگی کرده و حاکمیتی برخاسته از اراده همان مردم آنرا اداره کند. غالب اِتنولوگ ها این ترتیب مردم، سرزمین و حاکمیت را که قبلا نظریه پردازانی مانند امانول کانت به آن پرداخته بودند در مشاهدات و تفحصات خود ابراز داشته اند. در حقیقت این مردم اند که سرزمینی را انتخاب و حاکمیتی را بوجود آورده اند. اما با قدرت گرفتن حاکمیت ها و تسخیر سرزمین های دیگر این روند طبیعی رعایت نشده و دیگر کره خاکی به همه تعلق ندارد <sup>(۲)</sup> و سرزمین ها را قدرت ها ی

سیاسی و نظامی برتر مرزبندی کرده و در امر استقلال مردم برای تعیین حاکمیت آنها دخالت می کنند. بدین ترتیب، استقلال که به مفهوم حق تصمیم گیری مردم در جلوگیری از مداخله حاکمیت های دیگر در امور داخلی يك سرزمین و ملت است، ضربه پذیر می شود. در چنین شرایطی است که پس از قرن ها جنگ و خونریزی و تلفات انسان های بیگناه جامعه بین الملل ضامن حفظ مرزهای رسمی و ایجاد نظم در جهان می شود. اما تا چه حد در این مسئولیت توفیق می آید خود مقوله ای است که در فرصتی دیگر بدان خواهیم پرداخت .

**در حوزه حقوق سیاسی و مدنی - استقلال اثباتی** <sup>(۳)</sup> - جامعه مدرن برای انسان، آزادی و مسئولیت و حق قائل است. اما این حق وقتی مفهوم واقعی پیدا می کند که انسان، در بکارگرفتن آن خود آزاد باشد. آزادی در بکار گیری حق موجب استقلال فرد یا گروه اجتماعی یا یک ملت می گردد. از اینرو می توان ادعا کرد که بین استقلال و آزادی و حق، قرابت های مفهومی و علمی بی تردیدی وجود دارد:

استقلال بیانگر اراده آزاد انسان در تعیین سرنوشت خود است و شرایط این استقلال توسط حاکمیت که منتخب ملت هر سرزمین است فراهم و تضمین می شود. حق انتخاب قدرت اجرائی و رهبری مملکت بر اساس تصمیم مستقیم یا غیر مستقیم مردم تامین میگردد و مجلس قانون گذاری منتخب مردم، مستقل از هر قدرتی است. نمایندگان منتخب آزادانه ملت، در مقابل قدرت اجرائی و قدرت قضائی از اصل مصونیت برخوردارند. <sup>(۴)</sup> همینطور، در یک حاکمیت دمکراتیک قوه قضائیه مستقل از هر قدرتی و مجزا از هر ایدئولوژی و دین و مذهب و مکتب عمل می کند. این ها از جمله مواردی هستند که در منشور جهانی حقوق بشر مدون است. در نتیجه حاکمیتی که آن را امضا کرده موظف به اجرای آن است. به عبارت دیگر، می توان گفت در جوامع مدرن بشری اصول حاکمیت ملت و استقلال - با توجه به دو مفهوم حقوقی عدمی و اثباتی - دو ضلع مثلثی را تشکیل می دهند که ضلع سوم آن دمکراسی است. نبود یا کمبود هرکدام از آن ها بر اراده آزاد و مستقل انسان که تعیین کننده ترین اصل است، خلل وارد می کند. بدین ترتیب می توان چنین نتیجه گرفت که این ماده و شئی- سرزمین- نیست که استقلال را ایجاد و تضمین می کند، بلکه این انسان است که مستقل بودنش به یک سرزمین و یک حاکمیت استقلال می بخشد. پس استقلال هستی خود را از انسان های مستقل می گیرد.

در یک چنین حاکمیتی چون اراده مردم اصل و تعیین کننده است بایستی

بنا بر طبیعت انسانی که در حال رشد و جامعه ای که در حال تغییر است، اصل گردش قدرت و تغییر و بدیل سازی بطور فعال و قاطعانه عمل کند و تغییرات بر اساس برنامه های اجتماعی، میثاق ها، منشورها، تفاهم های ملی و رقابت گروه های فکری و سیاسی با اتکا به قدرت اجتماعی انجام پذیرد. در سرزمینی چون ایران که این شرایط فراهم نیست بجای اراده ملی حاکمیت استبدادی حادث است، که اساسش بر بکار گیری زور و ثروت نا مشروع و اعمال نفوذ، بنا نهاده شده است. در چنین حاکمیتی دخالت بیگانه سکه رایج بوده و استقلال مفهوم واقعی خود را از دست داده است. پس ادعای استقلال در جمهوری اسلامی، چه توسط خود رژیم و چه بوسیله برخی از افراد اپوزیسیون مضحکه ای بیش نیست. سرزمین ما وقتی مستقل خواهد شد که مردم ما در نظر و عمل استقلال داشته باشند.

### استعمارِ پُست مُدرن و ویژگی های آن

اگرهمبستگی و آلترناتیو سازی در برابر جمهوری اسلامی در دستور کار اپوزیسیون است که برای طرفداران دمکراسی، استقلال و حاکمیت ملی باید این خواست صادق باشد، استقلال بایستی شعار محوری و جدایی ناپذیر از آن محسوب گردد. بی توجهی بدان به مثابه تجاوز به حقوق مردم است و کم توجهی بدان عواقب ناشایستی را در آینده کشور رقم خواهد زد. اپوزیسیون پیشرو - دمکرات و لائیک و جمهوریخواه - بایستی طوری عمل کند که حق مشارکت و قدرت تشخیص مردم در تعیین سرنوشت خود تضمین شود. <sup>(۵)</sup> این روزها به درستی شاهد تغییرات قابل توجهی در بخشی از جهان هستیم، <sup>(۶)</sup> که سالهای مدیدی مردمش از آزادی محروم بوده اند و در فقر و بدبختی زیسته اند و از دیکتاتوری و استبداد رنج برده اند.

مردم ایران با حرکت ۱۳۸۸ در تاریخ جنبش های اجتماعی دهه حاضر، بدرستی پیشرو محسوب می شوند. جنبش ما بیدار کننده جنبش های دیگر در منطقه است. اما جنبش ما ناتمام مانده است. جنبش ما در این مرحله همانند آتشفشانی است که با حرکت های مدام در اقصای تحتانی خود، قوه محرکه اش را تقویت می کند. بنا براین وظیفه همه ما است که بطور جدی و مسولانه کمک کنیم تا اپوزیسیون شرایط را از همین امروز طوری سامان دهد که بلوک های اقتصادی و مالی کشور های قدرتمدار بجای مردم ایران برای آینده ما تصمیم نگیرند و دست نشاندگان خود را به میهن ما تحمیل نکنند و یکبار دیگر ما را از تصمیم در باره حق سرنوشت خود محروم نسازند. باید هوشیار و مراقب

بود که قوای نظامی ناتو و برنامه ریزان پنتاگون حرکت های خود را طوری طراحی نکنند که در روز موعود با حملات نظامی خود تمامی تاسیسات و شهرهای ما را تخریب نموده، برای ما مهندسی کرده، چه بسا از میان پاسداران سابق و حاضر جمهوری اسلامی دولتی را تدارک نبینند. آنگاه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی در محافل سیاسی و اقتصادی جهان اعلام کنند که ایران کشور ثروتمندی است و ما باید برای بازسازی آن شرکت های مالی و بازرگانی و صنعتی خود را با معاهداتی که بمراتب سخت تر از کاپیتولاسیون<sup>(۷)</sup> دوران استعمار کهنه است به این کشور سرازیر کنیم و آنرا بازسازی نمائیم. سیاستی که توسط بلوک های اقتصادی و مالی در لیبی و عراق بکار برده شد. برنامه ای که برای سوریه تدارک دیده اند تا بخشی از بحران سیستم سرمایه داری خود را از این طریق ترمیم کنند. این سیاست برای مبارزات مردم در جهت رها ساختن آنان از بند دیکتاتوری و استبداد نبوده بلکه سیاست استعمار پُست مُدرن است که در زیر بدان می پردازیم.

به راستی اگر اپوزیسیون ایران بر استبداد و دیکتاتوری حاکم، مهر باطل نزند و آنرا از میدان به بیرون پرتاب نکند خواهی نخواهی، سناریویی مشابه با سناریوهای موجود در کشورهای نامبرده در بالا، در میهن ما نیز اجرا خواهد شد.

باید دانست که امروز دیگر، صاحبان قدرت و ثروت جهانی به شیوه جنگ های ویتنام، کره، کوبا،... عمل نمی کنند. از جنگ عراق به این سو استعمار نو جای خود را به استعمار تازه ای داده است که از آن تحت عنوان استعمار پُست مُدرن<sup>(۸)</sup> یاد می کنیم که دارای ویژگی های خاصی است :

▪ - استعمار پُست مُدرن، مانند استعمار کهن، برای فرمانروایی مستقیم به تسخیر سرزمین های دیگر نمی پردازد. همینطور، چون استعمار نو با صدور ایدئولوژی کشورها را چپاول نمی کند، بلکه استعمار پُست مُدرن با سو استفاده از حقوق بشر، تحت عنوان کمک های بشر دوستانه، خود را زیر نقاب دمکراسی خواهی پنهان کرده، بدین وسیله از حاکمیت های استبدادی کشورهای که دارای ثروت طبیعی هستند تغذیه می کند.

▪ - در استعمار پست مدرن یک حاکمیت استبدادی در مقابل مجموعه ی سازمان یافته ای از کشور های استعماری مدرن قرار می

گیرند که مشروعیت خود را در اصل از دو منبع اخذ می کنند که یکی استبداد حاکم در کشور و دومی افکار عمومی جهان است. مشاهده می شود که استبداد علاوه بر خسارت های سهمگینی که بر جامعه وارد می سازد زمینه سرکوب خود را نیز توسط قدرت های جهانی فراهم می سازد .

▪ - هدف و انگیزه اصلی استعمار پست مدرن اقتصادی و دموگرافی است. از نظر اقتصادی با تخریب زیربنای صنعتی و مالی و بازرگانی این کشورها، در اثر جنگ خانگی و سپس بازسازی های بعد از جنگ با پول آنان، بخشی از بحران اقتصادی خود را که نتیجه یک قرن ولخرجی و سوء مدیریت شرق و غرب و تخریب کره خاکی است، ترمیم می کند. استعمار پست مدرن، از نقطه نظر دموگرافی با اتکا به تبلیغات برقراری دموکراسی، می کوشد جلوی هجوم پناهجویان اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به کشورهایش بگیرد و درعین حال از نیروی انسانی کاردان این کشورها بنفع خود استفاده کند .

▪ - استعمار پُست مُدرن تحت تاثیر سیاست های مالی و زیر فشار سرمایه داری جهانی بسیار عجولانه عمل می کند. از اشتباه هراسی ندارد. زیرا خود را به همه ابزار لازم برای شستشوی جنایات خود مجهز کرده است. می توان بدرستی ادعا کرد که استعمار پُست مُدرن مکمل یورش خشونت آمیز جهانی شدن است.

▪ - در استعمار پُست مُدرن قوای نظامی سرمایه داری جهانی نقش بسیار تعیین کننده ای را ایفا می کند؛ ؛ سرباز بشر دوست دیگرتنها به فنون نظامی تسلط ندارد در حقیقت تمامی ابزار تبلیغاتی و نظامی در دست اوست . او یک متخصص تهیه خبر، فیلم و عکس نیز هست. در واقع، در یک دست اسلحه و در دست دیگر دوربین تبلیغاتی، برای تغذیه افکار عمومی جهان به جهت مشروعیت دادن به عمل خود را، دارد.

▪ - در استعمار پُست مُدرن خبرنگاران، فیلمبرداران، عکاسان مستقل از قدرت های جهانی، در عرضه حرفه گزارشگری خود نقش چندانی ندارند. حتی تهیه کنندگان فیلم های سینمایی و کارگردان های روشنفکر و متعهد که تا چند سال پیش علیرغم سانسور در زمینه جنگ های منطقه ای فیلم های کم و بیش نزدیک به واقعیت تهیه می کردند همه از میدان به در شده اند، مردم جهان نه تنها از جنایت های ویتنام ها که هر روز در اقصی نقاط جهان اتفاق می افتاد بی اطلاع هستند بلکه حتی از واقعیت قتل فردی چون بن لادن نیز بی خبراند.

## مسئولیت تاریخی اپوزیسیون ایران

اگر امروز رهبران و سرشناسان اپوزیسیون جمهوری اسلامی بطور جدی و مسولانه به وظایف خود عمل نکنند و بطور همساز و همگرا قدرت خود را به تمامی شرائط تحمیل نکنند ملت ایران هم بیش از پیش استقلال خود را از کف خواهد داد، هم فرهنگ ملی ما لطمه خواهد خورد و هم شاید، در اثر جنگ داخلی یکپارچگی این سرزمین دچار مخاطرات جدی شود .

### ۱- علت های عدم همسازی

علت های اساسی عدم همسازی در تضاد ها و اختلافاتی است که در سطح اپوزیسیون بعنوان مجموعه سیالی از نیروهای فعال و نیمه فعال که غالباً در ترسیم خط قرمز خود دچار تردید هستند، تعبیه شده است. پُلاریزاسیون افراد و جریانات سیاسی در عرصه نظر اندیشه ممکن است همیشه لازم نباشد، اما در عمل و جهت دادن به یک حرکت، اگر پُلاریزاسیون انجام نگیرد انسجام در عملیات و جهش به سوی هدف را موجب نخواهد شد.

اما اختلافات بطور کلی به دو فصل قابل تقسیم اند :

### الف- اختلافات بنیادی

اختلافات بنیادی همان اختلافاتی هستند که اصولاً به کلیات نظر دارند و به مسائل ارزشی، اخلاقیات، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، فنی، اقلیمی، اقتصادی، نیروی انسانی خیلی کم توجه میکنند. خود به دو دسته بزرگ تقسیم پذیرند :

۱- آنهایی که منبعث از احساس اند؛ مسائل احساسی خاصیت سنجش و ارزیابی کمتری دارند؛ مانند حس وطن پرستی، حس شاه پرستی، حس قومیت و ملیت پرستی، برخی از آن ها نیز با معنویات در ارتباط اند اعتقادات آسمانی : دین و مذهب ... این بخش با احساسات مردم در ارتباط اند و تعقل و منطق زمینی را در درجات ثانوی قرار می دهند.

۲- آنهایی که منبعث از تعقل اند؛ مفاهیمی را تشکیل میدهند که قابل سنجش و اندازه گیری اند و با نیازهای ملموس مادی روزمّره انسان در جامعه مرتبط اند، مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی این ها در واقع کوشش دارند توازنی عادلانه در تقسیم قدرت و ثروت در جامعه بوجود آورند و در این تعقل گرائی، معنویات و احساسات کمتر مورد توجه اند. این بخش به

آزادی انسان بیشتر اهمیت میدهد و معطوف از اراده فرد در پیرامون خود است.

## ب- اختلافات اقتضایی

در بین، اپوزیسیون ایرانی علاوه بر اینکه اختلافات بنیادی نامبرده در بالا نقش زیادی در دامن زدن به تضادها را بازی می کنند، عوامل و علت های دیگری وجود دارند که منشآت اختلافات، تضادها حتی نبردهای داخلی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را سامان داده اند. این اختلاف با صفت اقتضایی قابل توصیف اند. اختلافات اقتضایی بر اساس شرائط بروز می کنند که برنامه ها، ساختارها، سبک ها، شیوه های تولیدی و روش های مدیریتی و کنترل را بنا بر مقتضیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانی و رفتاری تغییر می دهند. این اصول در شرائط کنونی اپوزیسیون بر شش دسته هستند :

۱ - نا فهمی یا بد فهمی مفاهیم، که هر فرد به واسطه شناخت، سابقه، فرهنگ، وضعیت روانی، و موقعیت اجتماعی از آنها برداشت معینی دارد. تشخیص درست و روشن ساختن این مفاهیم به امر نزدیکی ها کمک شایانی خواهد کرد. بطور مثال، اگر کلمه همبستگی را در نظر بگیریم همه از آن فهم مشترکی

نداریم<sup>(۹)</sup> درست فهمیدن و روشن کردن اینکه تعریف همبستگی چه باشد و از استقلال و آزادی و فدرالیسم و تمامیت ارضی چه درکی داریم به رفع اختلافات کمک خواهد کرد.

۲ - مسائل شخصی، هنوز، متأسفانه عده ای از سرشناسان فعال در میان اپوزیسیون پیدا می شوند که با به باد دادن خرمن های کهنه، آب به آسیاب اختلافات میریزند و زمین های قابل کشت تفاهم را ضایع و مسموم می کنند. اگر خدمتگزاری به مردم هدف است خرده گیری نسبت به اعضای اپوزیسیون باید از میان برداشته شود.

۳ - عدم اعتماد به نفس در زنان و مردان سیاسی چه در سطح سرشناسان و چه در سطوح دیگر. این عدم اعتماد به نفس را، خود اپوزیسیون در اثر نداشتن ویزیون درست از خود بوجود

آورده است.<sup>(۱۰)</sup> پشتگرمی دادن به یکدیگر و احترام نسبت به مبارزات مخالفان جمهوری اسلامی زمینه این اعتماد به نفس را فراهم میسازد. مبارزه با جمهوری اسلامی و اعلام علنی آن نشان دهنده مسئولیت نوبل و شرافتمندانه ای است که هر فعال سیاسی ایرانی بعهدہ دارد و برخورد های اصولی و سازنده جایش

را بگیرد.

۴ - بی‌اعتمادی مردم به افراد سرشناس اپوزیسیون، که حاصل خطا های گذشته رهبران از یک سو و ارتباط ناکافی آنان با مردم از سوی دیگر است. یافتن چاره برای رفع این بی‌اعتمادی خود امری مهم است. ایجاد اعتماد در جامعه توسط اپوزیسیون بمفهوم تماس با مردم و ساختن شرائط تازه ای است که تا قبل از تماس وجود نداشته است، این تنها شامل وضعیت روانی و رفتاری شرائط تازه<sup>۱۱</sup> نیست تماس نیست بلکه شامل ایجاد وضعیت ویژه ای است که سازندگی مشترک را باعث شود.

۵ - نفوذ جاسوسان و عوامل جمهوری اسلامی در خنثی نمودن حرکت های همبستگی. برای جلوگیری از آن شاید بد نباشد که در ارتباط با افراد ناشناس و تازه<sup>۱۲</sup> بدوران رسیده حاضر در محافل اپوزیسیون رعایت احتیاط گردد و در مقابل نسبت به همکاری با افراد شناخته شده بیش از این بذل توجه شود.

۶ - نبود یک برنامه اجتماعی یا منشور یا میثاق همبستگی حداقلی که قادر باشد بزرگترین نیروی اجتماعی را به خود جلب کند. این برنامه بویژه نباید این توهم را ایجاد کند که فردی یا گروهی، در فرد یا گروه دیگری منحل می‌شود. از آنجا که تفاهم و همسازی<sup>(۱۱)</sup> لازمه همبستگی است پس شفافیت باید جای مذاکرات در خفا را بگیرد تا نیروی انسانی متعهد به اصول میثاق بتواند براحتی خود را بیان کرده و از مواضع خود بطور آشکار دفاع و برایش تبلیغ کند. جامعه مدرن بر اساس دمکراسی، یعنی سرمایه قرن ها تلاش و تفکر و مبارزه بشریت، بنا شده است.

در جوامع دمکراتیک اختلافات اجتماعی - چه بر اساس احساسات چه بر اساس تعقل - توانسته اند خود را در چارچوب حقوق انسانی انتظام دهند. سند پذیرفته شده این حقوق، با تمامی کاستی هاییش بویژه در مراحل اجرائی، منشور جهانی حقوق بشر است.<sup>(۱۲)</sup> می بینیم که این خود مصون از تجاوز قدرت ها نیست. بر عکس در جوامع تحت استبداد بیشتر اختلافات اقتضاع هستند که باعث عادم همسازی می شوند.

برای ایجاد آلترناتیو باید بر روی روشن سازی اختلافات اقتضایی کار کرد تا این اختلافات بر طرف شوند، موفقیت در این مرحله ما را به نوعی از همگرایی و همسازی برای رسیدن به هدف آلترناتیو سازی هدایت خواهد کرد.

۲- آلترناتیو لوکوموتیو دمکراسی است : این روزها هرگاه سخن از آلترناتیو سازی می شود بلافاصله عده‌ای آنرا با چلبی سازی درعراق مقایسه می‌کنند. این مقایسه شاید سدی باشد در برابر یک آلترناتیو سازی واقعی. چلبی سازی از گلوی ملت عراق و دولت امریکا پایین نرفت. برای اولی پاره پاره شدن عراق و تبدیل آن به یک سرزمین ملوک الطوائفی را باعث شد و در کارنامه دومی، این عمل، بعنوان یک اشتباه دیگر در سیاست بین المللی اش ضبط شد و هزینه سهمگینی را برای شهروندانش موجب گردید. در ملت و فرهنگ ما زمینه های بسیاری وجود دارد که جلوی چلبی سازی را می گیرد و شرایط آلترناتیو عینی را فراهم میسازد .

توفیق در بوجود آوردن آلترناتیو، هستی بخش سه اصل حیاتی زیر، برای رشد و تحول سیاسی و اجتماعی است که لوکوموتیوی برای استقرار دمکراسی خواهد بود:

▪ الف : آلترناتیو تهدید کننده قدرت حاکم است، اگر قدرت حاکم به تعهدات خود عمل نکند و از اصول حق و مسئولیت و عدالت سرباز زند و آزادی های لازم در جامعه انسانی را رعایت نکند نیروی متشکل آلترناتیو می تواند مشروعیت او را کاملا نفی کرده و با استفاده از تمام وسائل مشروع برکناری او را خواستار شود .

▪ ب : آلترناتیو تضمین کننده اصل بدیل گرائی است، وجود آلترناتیو متشکل و با برنامه به جامعه این شانس را می دهد که قدرت همیشه در دست یک فرد، یک خانواده، یک حزب، یک نحله سیاسی، قرار نگیرد و اصل گردش و تغییر قدرت در جامعه تضمین شود.

▪ پ : آلترناتیو تامین کننده صلح اجتماعی است، بسیاراند ملت هایی که بدلیل نداشتن آلترناتیو، اجازه می دهند که قدرت حاکم تا مرحله فساد کامل پیشرفت کند، قدرت فاسدی که بهیچوجه حاضر نیست دست از حاکمیت بر کند. پس برای مردم چاره ای غیر از دست یازیدن به شورش و انقلاب نمی ماند، این نوع تغییر اثرات مثبتی برای ادامه صلح اجتماعی ندارد، قدرت جانشین در اثر شورش و انقلاب صرفا منادی آزادی و قانونمداری نیست، و مولود هزینه زیاد جانی و مالی است. تنها پادزهر این شرایط نامناسب و پرهزینه نهادینه کردن امر آلترناتیو سازی است .

بنا بر سه دلیل فوق الذکر، اگر اپوزیسیون سکولار، لائیک و دمکرات

در خود وظیفه مبارزه با استبداد و ارتجاع و عقب ماندگی و وابستگی و تجاوز روزمره به حقوق انسانی را می بیند، باید بدون کوچکترین تردید، در صدد بر زمین زدن جمهوری اسلامی و گذار از آن باشد. این هدف فقط در سایه همسازی و همگرایی نیروهای اپوزیسیون از یکسو و ایجاد یک آلترناتیو متشکل به گرد یک میثاق ملی با حضور افراد و جریانات سیاسی مسئول، حقوقمدار، معقول و متعهد میسر است. برآستی اگر اپوزیسیون خواستار استقلال ایران است و می خواهد به مانند یک نیروی بالغ و خود مختار قیمومیت خود را بطور شرافتمندانه بعهدہ بگیرد و در دام سیستم تازه کاپیتولاسیون جهانی که این روزها توسط سرمایه داری جهانی تحت عنوان دخالت های بشردوستانه عمل می کند، نیافتد و در چنگال استعمار پُست مُدرن مجبوره پذیرفتن تعهدات سهمگین نشود، باید بدون تلف کردن وقت نسبت به ساختن آلترناتیو ملی و فراگیر اقدام کند.

فرهنگ قاسمی سپتامبر ۲۰۱۱

Farhang.ghassemi@orange.fr

[www.rangin-kaman.org](http://www.rangin-kaman.org)

---

پا نوشت ها :

۱ - هرگونه مداخله خارجی را نفی می کند

۲ - Emmanuel Kant, projet de paix perpetuelle, Vrin Paris, 1990 pp 29-30

کانت این نظریه را تکمیل کرده اظهار می دارد که سر زمین ها و تمامی کره خاکی تعلق به همه دارد

۳ - از هرگونه دخالت مردم در تعیین سر نوشتشان بطور مثبت استقبال می کند

۴ - تعریف از دموکراسی مترادف حق تعیین سرنوشت و انتخاب آزادانه توسط مردم است، افلاطون و ارسطو کانت و هگل هر کدام با برداشت های متفاوت خود از حاکمیت دموکراسی را در تقابل با شایسته سالاری تلقی می کنند.

۵ - ماده ۲۱ منشور جهانی حقوق بشر :

«اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و برای مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید»

۶ - چنانچه ادعا می شود این جنبش ها فقط اختصاص به دنیای عرب ندارد، شامل کشور هایی مانند یونان و اسرائیل و اسپانیا و پرتغال و بریتانیای کبیر نیز می باشد

۷ - کاپیتولاسیون در علوم سیاسی بین المللی به مفهوم قضاوت کنسولی در روابط استعماری است که بر مبنای آن یک کشور میزبان به کشور دیگر اجازت می دهد که اتباع کشور میهمان از قوانین قضایی خود برای اتباع خود که در داخل مرزهای آن کشور زندگی می کنند استفاده کند. واژه کاپیتولاسیون از کلمه لاتین capitular یا کلمه ایتالیایی capitulazione مشتق شده و به معنی انعقاد عهدنامه و قرارداد یا خود عهدنامه است

۸ - colonialisme post-moderne این ترکیب انتخاب نویسنده این سطور است

۹ - از سوی دیگر در شرائط کنونی ما نیاز به همگرایی نیرو ها و همسازی بین آنها داریم اگر این مفهوم را بخوبی درک کنیم و بدان عمل کنیم در واقع به نوعی از تفاهم دست یافته ایم که زمینه گام های همبستگی را فراهم خواهد کرد. نگاه کنید به همسازی بدیل دور باطل

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=4202:2011-05-09-17-20-17&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=4202:2011-05-09-17-20-17&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=7326>

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=7326>

جنبش انتخابات آزاد و حاکمیت ملت همسازی بدیل دور باطل فرهنگ قاسمی، جامعه رنگین کمان بنیاد آزادی اندیشه و بیان صفحه ۲۱۱ پاریس چاپ دوم فوریه ۲۰۱۱

۱۰ - نگاه کنید به جنبش انتخابات آزاد و حاکمیت ملت ، اپوزیسیون نیاز به ویزیون و نوواری دارد، فرهنگ قاسمی، جامعه رنگین کمان بنیاد آزادی اندیشه و بیان صفحه ۱۴۳ پاریس چاپ دوم فوریه ۲۰۱۱

<http://www.ettelaat.net/06-11/news.asp?id=17401>

[http://www.didgah.net/maghalehMatnKamelSotonNamehKarbaran\\_2007.php?id=442](http://www.didgah.net/maghalehMatnKamelSotonNamehKarbaran_2007.php?id=442)

۱۱ - در همسازی به هیچ فردی احساس مصرف کننده یا مصرف شونده دست نمیدهد بلکه همه در حال سازش باهم برای ساختن هستند .

۱۲ - کنفرانس جهانی وین(1993) با تصویب اعلامیه و برنامه عمل وین، به صورت اجماع، گام بلندی در شناساندن ارتباط تنگاتنگ، توسعه، حقوق بشرو دموکراسی برداشت. اعلامیه وین با اشاره به اینکه حمایت و ترویج حقوق بشر» اولین مسئولیت حکومت هاست، دموکراسی را به عنوان قسمتی از حقوق بشر به رسمیت شناخت» و در نتیجه موجب تقویت جریان گسترش دموکراسی و حکومت قانون شده اعلامیه وین همچنین اتکای متقابل بین دموکراسی، توسعه و حقوق بشر را مورد تاکید قرار داد.